

امام هادی علیه السلام و جلوه های غدیر

مشخصات کتاب

نویسنده : عباس کوثری

ناشر : کوثر : فروردین ۱۳۷۹، شماره ۳۷

موضوع : امام هادی (ع)

یادداشت : مقاله

مقدمه

و لقد انزل الله تعالی فیک من قبل و هم کارهون.... انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یوتون الزکاة و هم راکعون. «از زیارتنامه امیرالمومنین (ع) در روز غدیر» روز غدیر، عید ولایت و یادآور امامت راستین و فضیلت‌های متعالی امیر مؤمنان علی (ع) است. معصومان (علیهم السلام) یادآوران این روز بزرگ بودند و با الهام از آیه‌ی شریف «و ذکرهم بایام الله منزلت و جلالت غدیر را گرامی داشته، فرمانهایی جهت ارج نهادن به آن فرا راه دلدادگان و سرخوشان باده‌ی ولایت قرار داده‌اند. یکی از جلوه‌های زیبای بزرگداشت غدیر در زیارت مخصوص امام علی (ع) در روز غدیر مشاهده می‌شود. کلمات آن زیارت زمزمه‌ی روح نواز امام هادی (ع) است و تاریخ صدور آن سالی است که معتصم خلیفه عباسی آن حضرت را به بغداد احضار کرد. در این موقعیت، حضرت به زیارت امیرمؤمنان (ع) شتافت؛ حدیث دلبری و یادمان ارزشهای راستین را تجلی دیگر بخشید و میراث ماندگاری از شکوه ولایت در خاطره‌ها به یادگار گذاشت. در زمینه‌ی اتقان سند و استحکام صدور آن صاحب «هدیه‌الزائرین می‌نویسد: «شیخ جلیل محمد بن المشهدی یکی از بزرگان علما است. در مزار کبیر برای این زیارت شریفه سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری به قوت

سند او می‌رسد؛ و عبارت او در این مقام چنین است: خبر داد مرا فقیه اجل ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی از فقیه عماد محمد بن ابی القاسم الطبری از ابی علی از پدرش محمد بن الحسن (شیخ طوسی) از شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان از ابی القاسم جعفر بن قولویه از محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از ابی القاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید عمری از ابی محمد حسن بن علی العسکری از پدرش «امام هادی (ع)» و این سلسله‌ی شریفه همه از اعیان علما و شیوخ طائفه و رؤسای مذهب‌اند و جناب ابوالقاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید هر دو از نواب امام عصر (ع) هستند و بعد از تأمل معلوم می‌شود که در تمام زیارات مأثوره زیارتی به این وجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی‌شود. محتوای زیارت درباره‌ی فرهنگ غدیر و زندگی شکوهمند امام علی (ع) است و موارد زیر از محورهای مهم آن شمرده می‌شود؛ بدین جهت، اندکی بر ساحل آن درنگ کرده، و روان خویش را از جام روح افزای آن شادابی می‌بخشیم:

فضائل امام علی در قرآن

در زیارت غدیر از آیه‌ی ولایت یاد شده است که می‌فرماید: (انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم را کعون و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون). سرپرست و ولی شما تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند، همانها که نماز برپا می‌دارند، و در حال رکوع زکات می‌دهند؛ و کسانی که ولایت خدا و پیامبرش و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند، زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است. مفسران اهل سنت و شیعه در شأن نزول این آیه به نقل از ابوذر چنین می‌نویسند: ابوذر گفت: من به دو چشم خویش دیدم و به دو گوش خود شنیدم و چنانچه خلاف آن را نقل کنم، نابینا و ناشنوا گردم. که پیامبر (ص) فرمود: علی قائد البرره و قاتل الکفره و منصور من نصره و مخذول من خذله؛ علی پیشوای

نیکان و قاتل کافران است. هر کس او را یاری کند، از ناحیه‌ی خداوند یاری می‌شود و هر کس او را تنها بگذارد، خدا او را خوار می‌سازد. بدانید من روزی نماز ظهر را با پیامبر (ص) خواندم. فقیری کمک خواست؛ اما کسی چیزی به او نداد. در این حال سائل دستهای خویش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد پیامبر (ص) کمک خواستم اما کسی به من کمک نکرد. علی (ع) که در حال رکوع بود و انگشتر در دست راست خویش داشت. به سائل اشاره کرد. سائل به سوی حضرت رفت و خاتم از انگشتر حضرت بر گرفت. رسول گرامی اسلام که این منظره را مشاهده کرده بود، پس از نماز خویش دست به دعا برداشت و فرمود: خدایا، موسی از تو خواستار شرح صدر و آسانی کار و باز شدن گره زبان خویش برای فهماندن کلامش شد و از تو خواست برادرش هارون را وزیر و پشتیبان و شریک در کارش قرار دهی و تو در پاسخ او فرمودی: (سنشد عضدک بأخیک و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا) بزودی بازوان تو را به وسیله‌ی برادرت محکم و نیرومند می‌کنیم و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم و به برکت آیات ما بر شما دست نمی‌یابند. خدایا، من محمد پیامبر و برگزیده‌ی تو هستم. خدایا، به من سعه‌ی صدر و آسانی در کار عطا کن و علی را که از اهل من است. وزیر و پشتیبان من قرار بده. پس سوگند به خدا هنوز کلام پیامبر (ص) تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! بخوان: انما ولیکم الله و رسوله... این شأن نزول را علاوه بر محدثان و مفسران شیعه بسیاری از اهل سنت نیز نقل کرده‌اند. نام گروهی از راویان اهل سنت این شأن نزول چنین است: الف) طبری (تفسیر طبری)، ج ۶، ص ۱۶۵ ب) واحدی (اسباب النزول)، ص ۱۴۸ ج) فخر رازی (تفسیر فخر رازی)، ج ۳، ص ۴۳۱ د) ابن صباغ مالکی (الفصول المهمه)، ص ۱۲۳ ه) ابواسحاق ثعلبی (تفسیر ثعلبی)، ج ۲، ص ۵۲ و) گنجی شافعی (الکفایه)، ص ۱۰۶ ز) خوارزمی (مناقب)، ص ۱۷۸ ح) ابن حجر (الصواعق)، ص ۲۵ استحکام این روایت نزد اهل سنت به گونه‌ای است که فاضل تفتازانی در کتاب شرح المقاصد (ج ۲، ص ۲۸۸) و

مولی علی قوشچی در شرح تجرید می گویند: انها نزلت باتفاق المفسرین فی علی ابن ابی طالب (ع) حین اعطی السائل خاتمه و هو راکع فی صلاته. به اتفاق مفسران این آیه در حق علی ابن ابی طالب (ع) نازل گردید، زمانی که انگشتی را در حال رکوع به سائل بخشید. مرحوم علامه امینی شصت و شش سند برای این حدیث ذکر می کند که جویندگان می توانند به آن مراجعه کنند حسان در این باره سروده‌ای دارد که در مدارک اهل سنت نیز نقل شده است: ایدهب مدحی و المحبین ضایعا و ما المدح فی ذات الله بضائع فانت الذی اعطیت اذ انت راکع فدتک نفوس القوم یا خیر راکع بخاتمک المیمون یا خیر سید و یا خیر شار ثم یا خیر بایع فانزل فیک الله خیر ولایه و بینها فی محکمات الشرایع آیا مدح من و دیگر دوستداران و عاشقان ضایع می گردد؟! چنین نیست، مدحی که در راه خدا باشد از بین نخواهد رفت. تو بودی ای ابالحسن که در حال رکوع با انگشتی مبارک خود انفاق کردی. جانهای مردم فدای تو باد ای بهترین رکوع کننده و ای بهترین آقا و خیرخواه و ای بهترین فروشنده «مال خود به خدا». سپس خدای دربارهی تو آیهی ولایت «انما ولیکم الله را که بهترین ولایت است. نازل فرمود و آن را در کتاب آسمانی و آیات روشن خویش بیان کرد. امام هادی (ع) در نامه‌ای که به اهل اهواز ارسال داشت بر آنچه در این زیارت دربارهی آیهی ولایت آمده تأکید ورزیده، می فرماید: صحیح ترین خبری که قرآن به صحت آن نیز گواهی داده است حدیثی است که به اتفاق نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام فرمود: من دو جانشین و در تعبیر دیگر دو چیز گرانبها برای شما باقی می گذارم: کتاب خدا و عترت. اگر به این دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. ما شواهد این حدیث را آشکارا در آیه (انما ولیکم الله ورسوله...) می بینیم. «ثم اتفقت روایات العلماء فی ذلک لامیرالمومنین (ع) انه تصدق بخاتمه و هو راکع سپس روایات دانشمندان به اتفاق بیانگر آن است که این آیه شریف دربارهی امیرمؤمنان (ع) نازل شد آن هم زمانی که حضرت در حال رکوع

انگشترش را صدقه داد. سپس رسول گرامی آن را به روشنی بیان کرد و فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا، هر کس علی را ولی باشد تو نیز او را ولی باش و هر کس با او دشمن باشد تو نیز او را دشمن باش؛ و در حدیث دیگر می فرماید: علی قرضهای مرا پرداخت می کند و او بعد از من خلیفه‌ی شما است. از اینها متوجه می شویم که قرآن بر درستی این اخبار گواهی داده، امت باید پذیرای آن باشد.

آیه ولایت و اثبات امامت علوی

قراین زیر نشان می دهد مراد از «ولی سرپرست و اولویت در تصرف است. ۱- شأن نزول آیه پس از اینکه پیامبر گرامی اسلام از خداوند خواست برای او وزیری از اهل خویش همانند هارون وصی حضرت موسی قرار دهد، این آیه برای برآوردن این خواسته نازل شد و طبیعی است. آیه وقتی باخواست پیامبر (ص) مطابق است که ولایت به معنای سرپرستی و وصایت باشد؛ زیرا در این صورت علی (ع) وزیر رسول خدا خواهد بود و خواسته‌ی آن حضرت اجابت شده است. اگر ولایت به معنای «دوستدار» باشد، باخواست پیامبر هم آهنگ نیست. ۲- مفرد بودن «ولی و عدم تکرار آن آیه همان ولایت خدا و پیامبر (ص) را برای صدقه دهنده در حال رکوع نیز اثبات می کند؛ زیرا ولی به صورت مفرد آمده و تکراری صورت نگرفته است. با توجه به کلمه‌ی انما که در کلام عرب بیانگر انحصار است. آیه‌ی شریف می فهماند که این ولایت در خدا و پیغمبر و شخصی که در حال رکوع صدقه داده، منحصر است؛ و در این صورت جزمعنای سرپرستی و اولویت در تصرف معنایی نخواهد داشت؛ زیرا اگر ولی در آیه به معنای دوست باشد، نادرستی آن روشن است و دوست مردم به این سه منحصر نیست.

کیفیت انطباق آیه بر امام علی

گروهی می گویند: چگونه جمله‌ی «الذین آمنوا» در آیه‌ی ولایت بر امام علی (ع) منطبق می‌شود در حالی که جمع است و نمی‌تواند برای فرد خاص استعمال شود. در پاسخ به این اشکال گفته‌اند: «الذین امنوا» جمع است؛ اما برای تعظیم و بیان قدر و جلالت امیرمؤمنان علی (ع) جمع به کار رفته است. افزون بر این، در بسیاری از آیات برای فرد خاص جمع به کار رفته. دو نمونه از این آیات عبارت است از: الف) مفسران در ذیل آیه «وآخرین اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحا و آخر سیئا عسی الله ان یتوب علیهم؛ و گروهی دیگر به گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند، امید می‌رود که خداوند توبه‌ی آنها را بپذیرد. گفته‌اند آیه مزبور با آنکه جمع است. فقط درباره‌ی ابو لبابه انصاری نازل شده است. ب) در آیه (الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا)؛ آنها که مردم به آنان گفتند مردم برای «حمله به شما اجتماع کرده‌اند، از آنها بترسید. پس بر ایمانشان افزود. نوشته‌اند: گوینده‌ی این سخن نعیم ابن مسعود اشجعی بود، اما آیه به صورت جمع نازل شده است. مرحوم علامه امینی بیست آیه ذکر می‌کند که در آنها لفظ جمع بر موردی خاص دلالت دارد.

رابطه‌ی پرداخت زکات و توجه نام امام علی در نماز

گروهی نیز گفته‌اند: یکی از مقامات علی (ع) این است که وقت نماز چنان به ذات باریتعالی توجه داشت که هیچ چیز نمی‌توانست او را به خود مشغول سازد و حتی تیر از پای مبارکش بیرون آوردند. در این صورت چگونه ممکن است به خواست سائل توجه کند و در حال رکوع انگشتر به او دهد؟! بعضی پاسخ داده‌اند: شنیدن صدای سائل و به کمک او پرداختن توجه به خویشتن نیست بلکه عین توجه به خدا است؛ علی (ع) در حال نماز از خود بیگانه بود نه از خدا؛ به عبارت دیگر، آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط به زندگی مادی و شخصی است و توجه به آنچه در مسیر

رضای خدا است کاملاً با روح عبادت سازگار است. معنای غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان بی اختیار احساس خود را از دست بدهد، بلکه با اراده‌ی خویش توجه خود را از آنچه در راه خدا و برای خدا نیست بر می‌گیرد. پاسخ دیگر این است که حالات حضرت به حسب نافله و نماز واجب فرق می‌کرد. در نماز واجب استغراق و حضور و خشوع چنان بود که از همه چیز جز عظمت الهی غافل می‌شد: اما در نماز نافله پرواز روحی‌اش این اوج و معراج را در همه حالات آن نداشته است؛ و ممکن است حضرت در حال نماز نافله صدقه به سائل بخشیده است. شأن نزول و کیفیت نقل آن نیز بر درستی این مسأله گواهی می‌دهد؛ زیرا نمازهای واجب به امامت رسول گرامی اسلام خوانده می‌شد و این مجال برای سائل پدید نمی‌آمد که تقاضایش را در حال نماز مطرح کند. سومین پاسخ که مطلب را بیشتر روشن می‌کند در مطالعه و مشاهده‌ی حالات اولیای الهی نهفته است. آنان در سیر و سلوک روحی و میقات الهی خویش گاه چنان بی‌تاب و محو جمال ربوبی می‌شدند که از همه آنچه در اطرافشان می‌گذشت غافل بودند. بی‌خود از شیشه‌ی پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر و ه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد در حالات حضرت یعقوب پیامبر آمده است: از او پرسیدند: چگونه از پیراهن یوسف جایگاهش را تشخیص دادی اما در چاه کنعان او را ندیدی؟! یکی پرسید زان گم گشته فرزند که‌ای روشن ضمیر پیر خردمند ز مصرش بوی پیراهن شنیدی ولی در چاه کنعانش ندیدی در جواب گفت: جذبه‌ها و حالات مختلف است و بر این اساس، تجلیات و درخشش‌ها نیز متفاوت. بگفت احوال ما برق جهان است گهی پیدا گهی در زیر خاک است. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود: «لی مع الله وقت لا یسعها ملک مقرب و لا نبی مرسل.» مرا حالاتی است که هیچ فرشته‌ی مقرب الهی و پیامبر مرسلی به آن نرسد. بر این اساس، می‌توان گفت: آن زمان که تیر از پای مبارک علی (ع) بیرون آورده می‌شد و حضرت هیچ التفاتی به آن نداشت، به اوج این پرواز و

قله‌ی متعالی فنای فی‌الله مربوط است. اما زمانی که به سائل توجه می‌کند، در حالی است که این پرواز و معراج روحی در آن اوج نیست. البته دست ما خاکیان از سفر روحانی و درک شیوه و توجه تام حضرت به باری تعالی کوتاه است و آن بزرگواران چنان است که خود فرمود: «لا یرقی الی الطیر» هیچ تیز پروازی برستیغ و بلندای دانش و معنویت من دست نمی‌یابد.

مبالغه در قیمت انگشتر

اتفاق انگشتر به وسیله‌ی امیر مؤمنان (ع) با حقایق تاریخی که در منابع اسلامی فریقین وارد شده است، اثبات می‌شود. البته در این میان پیرایه‌هایی است که باید آن را از واقعیت این رخداد جدا ساخت. از آن جمله مبالغه‌هایی است که در قیمت انگشتر شده است. گروهی بهای آن را معادل خراج و مالیات شام ذکر کرده‌اند. این قیمت به دلایل زیر نمی‌تواند اساس درستی داشته باشد. ۱- مستند این تخمین ضعیف است و در روایات معتبر و صحیحی که در شأن نزول ذکر شده، اثری از آن دیده نمی‌شود. ۲- مطالعه در حالات و زندگی حضرت بیانگر آن است که حضرت از اموال نفیس و گرانبها استفاده نمی‌کرد. آنچه در روایات مورد اتفاق و معتبر آمده این است که «و کان یتختم بها»؛ حضرت همواره از این انگشتر استفاده می‌کرد. بی تردید اگر انگشتر از نظر ارزش در سطح بالایی بود، حضرت به صورت مستمر از آن استفاده نمی‌کرد آن هم با موقعیت طاقت فرسای مسلمین در مدینه. این سخنان در قیمت انگشتر در ملاک ارزش بودن جاذبه‌های مادی ریشه دارد. آنچه در این فضیلت، شخصیت امام علی (ع) را آشکار می‌سازد، اخلاص و ایثار در راه خداست نه ارزش مادی انگشتر. این روح عبودیت است که کار نیک را به سوی خدا رهنمون می‌کند و موجب نزول آیات حق می‌گردد. در این زمینه، آیات دیگری نیز مورد استناد امام هادی (ع) قرار گرفته است که به ضمیمه‌ی محورهای چهارگانه‌ی دیگر در آینده پی خواهیم گرفت. بدان امید که

همچنان از کوثر «غدیر ولایت سیراب و شاداب بوده، ولایت علوی روشنی بخش دل و جانمان باشد.